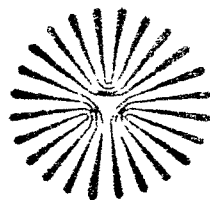


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور اصفهان

دانشکده ی ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه :

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی:

زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

مقایسه ی فرهنگ سپهسالار و فرهنگ جعفری با برهان قاطع

مؤلف :

اصغر شهبازی

استاد راهنما :

دکتر محمد جواد شریعت

مهر ماه ۱۳۸۳

۱۰۵۱۶۶

گروه ادبیات زبان فارسی
تاسیس ۱۳۸۳

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۲

کتابخانه مرکزی

PIR	شماره ثبت
۵۰۸	شماره دورنگ
۱۵۹،۴	شماره رکورد

دانشگاه پیام نور اصفهان

دانشکده ی ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

مقایسه ی فرهنگ سپهسالار و فرهنگ جعفری با برهان قاطع

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

مؤلف :

اصغر شهبازی

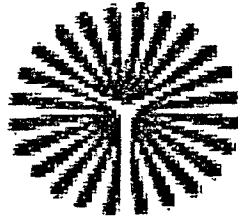
استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمد جواد شریعت

استاد مشاور :

دکتر علی زمانی

مهر ماه ۱۳۸۳



دانشگاه پیام نور - مرکز اصفهان
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی - گرایش محض

عنوان:

معماری و هنر سپهسالار و سخنرانی با برهان و طاع

دفاعیه توسط آقای اصغر شهبازی در تاریخ پنجشنبه ۸۳/۷/۲۳ برگزار و با کسب درجه ^{بسیار خوب} نمره ۱۷۱-۱۷۰
به تصویب رسید.

استاد راهنما: دکتر محمد جواد شریعت

استاد مشاور: دکتر علی زمانی

مدیر گروه و استاد داور:

استاد داور خارج از گروه: دکتر جمشید مظاهری

دکتر ناهید توکلی
سرپرست دانشگاه پیام نور اصفهان

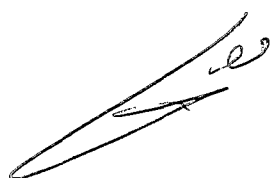
تصویب نامه :

رساله تحت عنوان : مقایسه ی فرهنگ سپهسالار و فرهنگ جعفری با برهان قاطع
که توسط : اصغر شهپازی تهیه و به هیئت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد .

تاریخ دفاع : ۸۳/۷/۲۳ نمره :
درجه ارزشیابی :

اعضای هیئت داوران :

نام و نام خانوادگی هیئت داوران مرتبه ی علمی امضاء



- ۱- دکتر محمد جواد شریعت استاد راهنما دانشیار
- ۲- دکتر علی زمانی استاد مشاور استادیار
- ۳- استاد مشاور یا استاد راهنمای همکار
- ۴- ممتحن داخلی
- ۵- دکتر جمشید مظاهری ممتحن خارج از دانشگاه
- ۶- ممتحن خارج از دانشگاه
- ۷- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

تقدیم :

تقدیم به پدر و مادر و معلمین و اساتیدی که
در طول زندگی از حمایت آنها در جهت تحصیل علم و
دانش بهره مند شده ام .

سپاسگزاری :

از محضر استاد ارجمند دکتر محمد جواد شریعت تشکر و قدر دانی می کنم که راهنمایی شاگرد خود را پذیرفتند و امید است خداوند به ایشان سلامتی و طول عمر عطا کند .
و از آقای کرامت بیاتی، مسئول مؤسسه «زیتون رایانه»
شهرکرد سپاسگزاری می کنم که زحمات مداوم این فقیر را
تأمیل کردند .
همین طور از همسر و فرزندانم نیز تشکر می کنم که در
انجام این پایان نامه مرا یاری دادند .

فهرست مطالب :

چکیده :

مقدمه : ----- ۱

فصل ۱ : مقایسه فرهنگ سپهسالار با برهان قاطع . ----- ۱۵

بخش ۱ : لغاتی که در سپهسالار هست در برهان نیست . ----- ۱۸

بخش ۲ : اضافه معنای لغات در سپهسالار در مقایسه با برهان . ----- ۲۳

بخش ۳ : اضافه شاهد در سپهسالار در مقایسه با برهان ----- ۳۶

بخش ۴ : اختلاف معنای لغات سپهسالار و برهان ----- ۶۸

بخش ۵ : اختلاف ضبط لغات سپهسالار و برهان ----- ۷۵

بخش ۶ : اضافه معنا و شاهد ----- ۸۳

بخش ۷ : اشتباهات و تصحیفات سپهسالار ----- ۱۰۷

پیوست ۱ : لغاتی که به گونه ای دیگر آمده ----- ۱۱۲

فصل ۲ : مقایسه فرهنگ جعفری با برهان قاطع ----- ۱۱۴

بخش ۱ : لغاتی که در جعفری بود ولی در برهان نبود . ----- ۱۱۸

بخش ۲ : اضافه معنا در جعفری در مقایسه با برهان ----- ۱۲۶

بخش ۳ : اختلاف ضبط لغات جعفری در مقایسه با برهان ----- ۱۴۹

بخش ۴ : اختلاف معنای لغات جعفری نسبت به برهان ----- ۱۶۲

بخش ۵ : ضبط صورت دیگری از کلمه در جعفری در مقایسه با برهان ----- ۱۷۳

بخش ۶ : تصحیفات و اشتباهات جعفری ----- ۱۷۹

فصل ۳ : نتیجه گیری ----- ۱۸۵

نتیجه و پیشنهاد ----- ۱۸۶

مراجع : ----- ۱۸۷

پیوستها ----- ۱۸۹

چکیده ی انگلیسی ----- ۱۹۳

فهرست جداول

- جدول شماره یک (مشخصات پایان نامه) ----- ۱۹۰
- جدول شماره دو (یافته ها) ----- ۱۹۱
- نمودار ----- ۱۹۲

نام خانوادگی دانشجو : شهبازی نام : اصغر

عنوان پایان نامه : مقایسه ی فرهنگ سپهسالار و فرهنگ جعفری با برهان قاطع

استاد راهنما : دکتر محمد جواد شریعت

استاد مشاور : دکتر علی زمانی

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : زبان و ادبیات فارسی گرایش : دانشگاه :

پیام نور اصفهان دانشکده : ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی :

تعداد صفحه : کلید واژه ها : مقایسه فرهنگها ، برهان قاطع ، سپهسالار ، فرهنگ جعفری

، اختلاف ضبط و معنا .

چکیده :

فرهنگ نویسی برای زبان فارسی سابقه ای طولانی دارد و ایرانیان و هندوان فرهنگهای زیادی برای آن تهیه کرده اند که به غنای واژگانی این زبان کمک بزرگی کرده اند . اما همه این فرهنگها در یک درجه از اعتبار و اهمیت نیستند . فرهنگی شامل بسیاری از واژگان کهن و سره ی فارسی است و معانی کاملی برای واژگان آورده است و بالعکس ، فرهنگی تعدادی از واژگان را ندارد یا در ضبط صورت و معنای لغات دچار تحریف و تصحیف شده است . اینگونه موارد در مقایسه ی یک واژه نامه با واژه نامه ای دیگر مشخص می گردد .

اما نیز در این پایان نامه به همین منظور فرهنگ سپهسالار و جعفری را با برهان قاطع مقایسه کردیم . اهداف اصلی عبارتند از : نقد دو فرهنگ سپهسالار و جعفری و یافتن لغاتی که در برهان نیست و بررسی اختلاف صورت و معنای لغات . یافته ها در این پایان نامه در دو فصل آمده است امید است که مورد استفاده دیگران قرار گیرد .

مقدمه :

پیرامون فرهنگ نویسی و تاریخ آن :

زبان فارسی یکی از زبانهای هند و اروپایی است که از حدود سه هزار سال پیش با نامهایی چون مادی ، پارسی باستان ، اوستایی ، پهلوی و دری در ایران رایج بوده است و تغییرات و تحولاتی را پشت سر گذاشته است تا به امروز رسیده است اما این تغییر و تحول به گونه ای نیست که ما امروز زبان هزار سال پیش نیاکان خود را نفهمیم بلکه این تغییر در حوزه ی واژگان و نحو زبان بوده به گونه ای که به مرور زمان بسیاری از واژگان متروک شد و لغاتی ساخته شد و لغاتی نیز معنای جدید گرفتند . این گونه تحولات عده ای را بر آن داشت که به فکر جمع آوری لغات زبان خود بیفتند تا در معرض فراموشی و نابودی قرار نگیرند و با این کار هم لغات کهن زبان خود را حفظ کردند و هم زمینه ای به نام فرهنگ نویسی آفریدند که مطابق قرائن موجود از خود ایرانیان شروع شد و ابوحفص سغدی و حکیم قطران تبریزی از اولین کسانی بودند که به این کار پرداختند و بعدها نیز افرادی این کار را تا سر حد کمال ادامه دادند .

از دلایل دیگر فرهنگ نویسی ، نظر به حوزه ی جغرافیایی زبان فارسی و تنوع لهجه ها و گویش ها بوده است^۱ . یعنی زبان فارسی در کشورهای همسایه از جمله هند ، افغانستان ، تاجیکستان و پاکستان رایج بوده است و خود ایرانیان نیز دارای لهجه ها و گویش های متعدد بودند که برخی زبان دری را به خوبی نمی دانستند کافی است نظری به برخورد ناصر خسرو با قطران بیفکنیم « که شعر نیک می گفت اما زبان فارسی را نیکو نمی دانست^۲ » .

^۱ - دکتر معین در مقدمه ی برهان ۵۶ لهجه ی ایرانی را نام می برد . ر.ک به برهان قاطع ، ص ۲۷ مقدمه

^۲ - قبادیانی ، ناصر خسرو ، سفرنامه ، به کوشش دکتر نادر وزین پور ، تهران ، شرکت سهامی کتابهای جیبی ، ۱۳۷۲ ، ص ۸

که نمودار خوبی از این احتیاج است همچنانکه رواج فرهنگ نویسی در هند نیز معلول همین گسترش و احتیاج است ضمن اینکه هندوان علاقه ی شدیدی به زبان فارسی داشتند و سهم عمده ای از فرهنگ های فارسی را عهده دار هستند. همان طور که ایرانیان در زبان عربی این سهم را دارند. از قریب ۲۵۰ فرهنگ فارسی که در دست است ۳۸ فرهنگ نوشته ی ایرانیان است.^۱

ضرورت دیگر فرهنگ نویسی وقتی احساس می شود که اقوام عرب، ترک و مغول در ایران مسلط می شوند و زبان فارسی به گونه ای بی سابقه با این زبانها آمیخته می شود به طوری که بعد از چندی نیاز به شناسایی واژه های فارسی سره از ناسره و صورت های اصیل از محرف و مصحف به خوبی احساس می شود. به خصوص در زمینه شعر و نثر و کسانی که دوست داشتند تا حد امکان از لغات فارسی استفاده کنند که نیاز به واژه نامه ای فارسی را می طلبید و درست به همین خاطر فرهنگهای زیادی برای این زبان تهیه شد بطوریکه می توان گفت زبان فارسی از حیث فرهنگ لغت زبانی غنی است و فرهنگ های زیادی برای آن تهیه شده، ضمن اینکه بازهم فرهنگ هایی می توان نوشت. این زبان دارای بیش از ۵۶ لهجه و گویش است که بسیاری از گویش ها دارای، لغات اصیل و سره پارسی هستند. که جمع آوری و نوشتن لغات این گویش ها و لهجه ها، می تواند به غنای فرهنگی این کشور کمک کند. همین طور در زمینه ی لغات و اصطلاحاتی که در متون و ادبیات این مملکت به کار رفته، کارهای نشده باقی است.

تاریخ فرهنگ نویسی :

زبان کنونی ما که در دوره ی اسلامی همیشه آن را زبان دری نامیده اند و احتمال نزدیک به یقین می رود که در دوره های پیش از اسلام نیز همین نام را داشته باشد . و از دوره ی ساسانی ، مردم ایران که در شمال و مغرب و جنوب ری بوده اند همه به زبان پهلوی سخن می رانده اند و آنها که در مشرق ری بوده اند به زبان دری سخن می گفته اند. در دوره ی اسلامی، از زمان طاهریان اندک اندک ادبیاتی به زبان دری پیدا شده و در دوره صفاریان و به مراتب بیشتر از آن، در دوره سامانیان، این زبان ، ادبیاتی وسیع و بسیار جالبی پیدا کرده و رفته رفته در قلمرو زبان پهلوی و در تمام ایران منتشر می شده است . و به همین خاطر مردم قلمرو زبان پهلوی ، به کتابهایی نیازمند می شوند که به آنها دری و لغات دری را بیاموزد و این خود مقدمه ی فرهنگ نویسی برای زبان فارسی دری است^۱ . اما ظاهراً فرهنگ نویسی از قرن پنجم آغاز گردیده است و از اولین فرهنگ ها ، یکی «رساله ی ابو حفص سغدی^۲» و «تفاسیر فی لغة الفرس^۳» تالیف شرف الزمان قطران بن منصور ارموی، شاعر معروف (متوفی ۴۵۶ هـ . ق) است ولی هیچ یک از این دو کتاب به دست ما نرسیده است . و باید قدیمی ترین کتاب در زمینه ی لغت را همان لغت فرس سغدی توسی بنامیم که پس از سال ۴۵۶ تالیف شده و اگر چه بعد ها بر آن افزوده اند اما همواره یکی از فرهنگهای مورد توجه بوده است . این فرهنگ دارای ۱۱۹۶ لغت اصلی و ۱۱۸ لغت مترادف و ۱۳۳۵ بیت شاهد است^۴ .

^۱ - رک به مقدمه برهان ، ص ۶۷ ، مقاله ی دکتر سعید نفیسی و مقدمه لغت نامه دهخدا

^۲ - او در قرن پنجم می زیسته و جز ابو حفص سغدی است که می گویند از اولین شعرای زبان فارسی است . لازم به ذکر است که از این رساله در فرهنگ جهانگیری و سروری مجمع الفرس استفاده شده است .

^۳ - این کتاب بیشتر شامل همان گفت و گوی او با ناصر خسرو بوده است .

^۴ - رک به مقدمه ی لغت فرس ، به قلم دکتر محمد دبیر سیاقی

بعد از لغت فرس در ایران مدتها کتابی در این زمینه تألیف نشده است تا اینکه در قرن هشتم (سال ۷۲۸ ه. ق) « صحاح الفرس » توسط شمس الدین محمد هندوشاه نخجوانی مشهور به شمس منشی نوشته می شود و بعد ، شمس فخری اصفهانی یک فصل از « معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی » را به لغات فارسی اختصاص داد .

در زمان صفوی میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، « فرهنگ میرزا ابراهیم » را تألیف کرد .

در اوایل قرن یازدهم محمد قاسم متخلص به سروری کاشانی ابن حاج محمد «مجمع الفرس » را (در سال ۱۰۰۸ ه. ق) تألیف کرد که مؤلف فرهنگ جهانگیری از آن استفاده کرده است .

در قرن سیزدهم « برهان جامع » توسط محمد کریم تبریزی تألیف شد که خلاصه ی برهان قاطع است و رضا قلی خان هدایت « انجمن آرا » را نوشته است .

در دوران معاصر « فرهنگ ناظم الاطباء » یا فرنود سار توسط علی اکبر نفیسی تألیف شد و بعد از آن فرهنگ های دیگری نیز تألیف شده که سرآمد آنها لغت نامه علی اکبر دهخدا و فرهنگ فارسی دکتر محمد معین است .

اما همزمان با لغت نامه نویسی در ایران ، از قرن هشتم هجری ، هندوان نیز به نوشتن فرهنگ های فارسی روی آوردند . نخستین فرهنگی که در هند نوشته شده ؛ تألیف مبارک شاه غزنوی مشهور به فخرقواس (متوفی ۷۱۶ ه. ق) با نام « فرهنگ قواس » است .

سپس محمد بن قوام بن رستم بن محمود بدر خزانه ای معروف به کری کتاب « بحرالفضایل فی منافع الافاضل » را در حدود سال (۷۹۵ ه. ق) نوشت و حاجت خیرات دهلوی در سال ۷۴۳ « دستور الافاضل فی لغات الفضایل » نوشت .

پس از او قاضی خان بدر محمد دهلوی معروف به دهاروال در سال ۸۲۲ ه. ق « اداة الفضلا » را نوشت و در اوایل قرن نهم ابراهیم قوام فاروقی در ولایت بهارهند « شرف نامه » را به نام مرشد خود ، شرف الدین احمد منیری تألیف کرد . و در همین قرن محمد بن

داوود بن محمود به سال ۸۷۳ ه. ق « مفتاح الفصلا » را تدوین کرد و محمود بن شیخ ضیاء در زمان اسکندر بن بهلول شاه کتاب « تحفة السعادة » یا فرهنگ اسکندری را نوشت .

در قرن دهم « موید الفصلا » را محمد لاد دهلوی تالیف کرد و حافظ اوبهی در سال (۹۳۶ د. ق) « تحفه الاحباب » را نوشت و « کشف اللغات » توسط عبدالرحیم بن احمد سور و « فرهنگ وفایی » توسط حسین وفایی و « فتح الکتاب » توسط ابوالخیر بن سعد انصاری « در این قرن نوشته شده اند . ضمن اینکه در پایان این قرن « مجموعه اللغات » توسط ابوالفضل ابن مبارک علامی وزیر اکبر شاه نوشته می شود .

در قرن یازدهم « مدارالافاضل » به قلم الله داد فیضی ابن اسد العلماء علی شیر سر هندی نوشته شد و جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی در سال (۱۰۱۷ ه. ق) « فرهنگ جهانگیری » را به نام اکبر شاه نوشت و امان الله ملقب به خانه زاد خان فیروز جنگ « چهار عنصر دانش » را در همین قرن نوشت .

« جمع الجوامع » تالیف علی محمد بن شیخ عبدالحق دهلوی و « لطایف اللغات » تالیف عبداللطیف بن عبد الله کبیر گجراتی و « برهان قاطع » نوشته ی محمد حسین بن خلف تبریزی (تألیف ۱۰۶۲ ه. ق) و « فرهنگ رشیدی » نوشته ی عبدالرشید بن عبد الغفور حسینی مدنی در همین قرن نوشته شدند.

در قرن دوازدهم « سراج اللغات » و « چراغ هدایت » به قلم سراج الدین علی خان اکبر آبادی نوشته شد و سپس «محمود اللغات » توسط شیخ عبدالواحد بن قاضی شمس الدین ساکن بریلی تالیف شد و « بهار عجم » توسط لاله تیک چند بهار نوشته شد .

در قرن سیزدهم « قسطاس اللغة » توسط شیخ نور الدین محمد تألیف شد و « شمس اللغات » توسط جوزف برتیوجنیر انگلیسی ساکن هند نوشته شد و « اصطلاحات شعرا » توسط رحیم الدین بن کریم الدین تألیف شد .

در این قرن همچنین « هفت قلزم » توسط غازی الدین حیدر و « غیاث اللغات » توسط غیاث الدین بن جلال الدین رامپوری و « تسهیل اللغات » توسط شیخ احمد متخلص به حسرت

بن محمد علی ابن عبد الصانع و « بحر عجم » توسط محمد حسین قادری متخلص به راقم و «ارمغان آصفی» توسط محمد عبدالغنی خان در این قرن نوشته شده اند .

در آغاز قرن چهاردهم « فرهنگ آندراج » توسط محمد پادشاه به شادبن غلام محیی الدین منشی مهاراجه « آندراج » ، راجه ی ولایت و یجی نگر تالیف شده است . «آصف اللغات » توسط نواب عزیز جنگ بهادر و « نقش بدیع » توسط وجاهت حسین عندلیب شادانی رامپوری و « فرهنگ نظام » توسط سید محمد علی داعی الاسلام نیز در این قرن نوشته شده اند .

انواع فرهنگ ها و مقایسه آنها :

چنانچه گفتیم فرهنگ نویسی برای زبان فارسی سابقه ای طولانی دارد و هندوان و ایرانیان و دیگران فرهنگهای با ارزشی نوشته اند. این فرهنگها از جهات مختلفی با هم فرق دارند و از جهات مختلفی شبیه به هم هستند. از این جهت که برای زبان فارسی نوشته شده اند و بسیاری لغات مشابه و مانند یکدیگر دارند و اساس آنها زبان فارسی و کلمات رایج در آن است، مانند یکدیگرند اما از جهت اینکه در چه قرنی نوشته شده اند و شیوه جمع آوری لغات آنها چگونه بوده و توسط چه قومی و فردی نوشته شده اند، با هم تفاوت هایی دارند. فرهنگهایی که تا آغاز قرن چهاردهم نوشته شده اند بیشتر شامل لغات کهن زبان فارسی هستند و اگر توسط قومی غیر از ایرانیان نوشته شده باشد، به دلیل عدم آشنایی کامل با زبان فارسی، امکان خطا و اشتباه وجود دارد^۱ و اگر از جهت نحوه جمع آوری لغات بسنجیم باز هم با هم تفاوت هایی دارند. عده ای بر اساس حرف آخر لغات، فرهنگ خود را تنظیم کردند مانند لغت فرس و معیار جمالی عده ای حرف اول و آخر را باب ساخته و هر باب را از روی حرف اول به فصولی تقسیم کرده اند بدون التزام حروف دیگر مانند: فرهنگ جعفری، عده ای حرف دوم را باب قرار داده و آنگاه هر باب را از روی حرف اول به فصولی تقسیم کرده اند بدون رعایت حروف دیگر مانند: فرهنگ جهانگیری، برخی حرف اول را باب و هر باب را بر حسب حرف دوم به فصولی تقسیم کرده اند، مانند غیاث اللغات. تعدادی نیز به روش امروزی، بر اساس حروف تهجی مرتب شده اند مانند: برهان و آنند راج.

با مراجعه به فرهنگ ها می بینیم لغاتی در یک فرهنگ هست ولی در فرهنگ دیگر نیست و یا چه معنایی که در ذیل یک لغت در فرهنگی هست اما در فرهنگی دیگر نیست، همچنین می توانیم ضبط های گوناگون یک لغت را بباییم و یا شاهدهی پیدا کنیم که بتواند گرهی از یک متن

^۱ مانند فرهنگهای شعوری و آنندراج و نظام و فرهنگ های افرادی مثل جاسون، ریچارد سن، اشتینگاس

ر ک به مقدمه برهان صص ۴۷ تا ۶۳

ادبی بگشاید . بنابراین مقایسه فرهنگ ها خالی از فایده نیست . و می تواند به نقادی فرهنگها بپردازد .

نگارنده نیز به منظور نقد دو فرهنگ جعفری و سپهسالار آنها را با برهان قاطع مقایسه کردم و بسیاری از خطاهای این دو فرهنگ را مشخص کردم ضمن اینکه لغاتی نیز پیدا کردم که در برهان نبود یا معنایی اضافه تر بر برهان در دو فرهنگ جعفری و سپهسالار یافتم که قبل از آنکه به روش کار بپردازم این سه فرهنگ را معرفی می کنم .

برهان قاطع :

برهان قاطع نوشته محمد حسین بن خلف تبریزی است . این کتاب در سال ۱۰۶۲ در حیدرآباد دکن نوشته شده و ماده تاریخ تالیف در صدر کتاب چنین آمده است :

چو برهان از ره توفیق یزدان مراین مجموعه راگردید جامع

پی تاریخ اتمامش قضا گفت کتاب جامع برهان قاطع

مؤلف کتاب ، محمد حسین بن خلف تبریزی ، متخلص به برهان ، کتاب برهان قاطع را به نام سلطان عبدالله قطب شاد ، پادشاه شیعی مذهب گل کنده^۱ نوشته است . سلطان عبدالله در سال ۱۰۲۳ هجری متولد شد و در سال ۱۰۳۶ بر تخت سلطنت نشسته و به سال ۱۰۸۳ هجری وفات یافت . خلف تبریزی در برهان از کتابهای متعددی بهره گرفته که مهمترین آنها عبارتند از : ۱- فرهنگ جهانگیری تالیف میرجمال الدین حسین ابن فخرالدین حسن انجوی شیرازی که شامل لغات فارسی است و از جامع ترین فرهنگ ها است به طوری که از ۴۴ فرهنگ و رساله فارسی در زمینه لغت استفاده کرده^۲ ، این کتاب در زمان اکبر شاه شروع شده و در زمان سلطنت پسرش سلطان جهانگیر به پایان رسیده است .

۲- مجمع الفرس از محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی متخلص به سروری که لغات

عربی و ساده ی فارسی را ذکر نکرده است .

^۱ قلعه ای در چند کیلومتری خارج حیدرآباد که نظام دکن آن را برای زندان یا پادگان حیدرآباد مقرر کرده بود .

^۲ به این مجموعه نه فرهنگ دیگر را می توان اضافه کرد . ر . ک به برهان ص ۸۲ مقدمه

۳- سرمه ی سلیمانی تالیف تقی اوحدی ۴- صحاح الادویه از حسین انصاری .
 برهان قاطع از جهت اینکه در زمانی نوشته شده که پادشاهان هند از جمله اکبر شاه و
 پسرش سلطان جهانگیر ، علاقه خاصی به زبان فارسی داشتند و زبان فارسی رشد بسیار
 خوبی داشته ، در فضا و محیطی مناسب تهیه شده است و به طوری که از محتوای کتاب بر
 می آید نویسنده به اغلب کتابها و فرهنگ های پیش از خود نظر داشته و سعی کرده کتابی در
 این زمینه تالیف کند که تا حدودی جامع باشد . که از حیث تعداد لغت که شامل ۲۰۲۱۱ لغت
 است و غزارت محتوا و کثرت مواد و نسخ خطی کتابی ارزشمند است ، بخصوص بعد از
 تصحیح دکتر معین که اعتباری ویژه یافت اما این نکته نیز هست که :

قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار حشوش بود در میان

یعنی نواقصی نیز دارد از جمله سهویات در معانی لغات قدیمی به دلیل نداشتن منابع و
 عدم آشنایی با فقه اللغه (نظیر واژه های زند و پازند) و اشکال در معانی لغاتی که از منابع
 یونانی و سریانی و لاتینی نقل کرده است و راه یافتن لغات دساتیری به آن و نداشتن شاهد
 شعری در ذیل لغات که در فهم مطلب مفید بود و همین طور نیاوردن برخی واژه ها به دلیل
 سادگی یا رعایت ایجاز .

اینها از مهمترین نواقص برهان هستند که به همت دکتر معین برخی مشخص و منتفی
 شده اند اما کمبود برخی واژگان و برخی معانی ذیل لغات هنوز احساس می شود که در
 مقایسه با سایر فرهنگها می توان این موارد را مشخص کرد .

ضمن اینکه انتظار بی جایی سنت اگر ما فکر کنیم کتابی که در حدود سیصد سال پیش
 توسط یک ایرانی در هند نوشته شده ، باید جامع و خالی از اشکال باشد بلکه می توان گفت این
 فرهنگ از نظر لغات لازم و رایج فارسی و برخی اصطلاحات شعرا و نویسندگان یکی از
 بهترین فرهنگهای فارسی است .

فرهنگ سپهسالار

نام فرهنگ سپهسالار در فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار^۱ و فرهنگ های فارسی آمده است.^۲ نسخه این کتاب در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (مطهری کنونی) به شماره ۱۲ نگه داری می شود واقف آن میرزا حسین خان سپهسالار است. بر پشت جلد این کتاب، آنرا نصاب ترکی معرفی کرده اند. اما جلوی عبارت نصاب ترکی با خط دیگر نوشته اند، فرهنگ منسوب به قطران تعداد صفحات این فرهنگ ۱۰۲ ورق است و کاتب آن شخصی به نام عوض باقی است. خط نسخه، نستعلیق نزدیک به خط هندی است و گویا در سده یازدهم نوشته شده است.^۳

مقایسه این کتاب با تحفة الاحباب حافظ اوبهی نشان می دهد که این دو کتاب دو برادر توامان اند که بدون هیچ تردیدی به یک اصل برمی گردند. دکتر دبیر سیاقی می گوید: نسخه ی مضبوط در کتابخانه مدرسه سپهسالار ظاهراً تحریری از لغت نامه اسدی است و یا فرهنگی که بر مبنای لغت نامه اسدی تدوین شده و به عنوان فرهنگ قطران اصالت ندارد.^۴

این کتاب و تحفة الاحباب بی شک از روی نسخه ای نوشته شده اند که از روی چند تحریر لغت فرس اسدی، معیار جمالی شمس فخری، صحاح الفرس نخجوانی و احیانا برخی دیگر فرهنگ ها تهیه شده است.^۵ زمان تالیف نسخه میان سالهای ۵-۷۴۴ که سال تالیف معیار جمالی است و ۹۳۳ که حافظ اوبهی کتاب خود را تدوین کرده قرار دارد و به احتمال زیاد در هند نوشته شده و مولف آن فارسی زبان نبوده و دلیل آن اشتباهات و تصحیفات زیاد و ذکر معادل هندی لغات است.

و شاید تنها نکته ای که در اهمیت این فرهنگ می توان گفت، ذکر شواهدی است که در ذیل لغات آمده که بسیاری از آنها در لغت فرس اسدی نیز هست ولی در مجموع فرهنگ پر

۱- دانش پژوه محمد تقی و منزوی علی نقی، فهرست کتابخانه ی سپهسالار، تهران، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۲۷۴

۲- دبیر سیاقی، محمد، فرهنگ های فارسی، تهران، ۱۳۶۸

۳- فرهنگ سپهسالار، تصحیح دکتر علی اشرف صادقی، تهران، سخن، ۱۳۸۰، ص ۷ (مقدمه)

۴- دبیر سیاقی، محمد، فرهنگ های فارسی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵

۵- رک به مقدمه ی فرهنگ سپهسالار، ص ۱۲